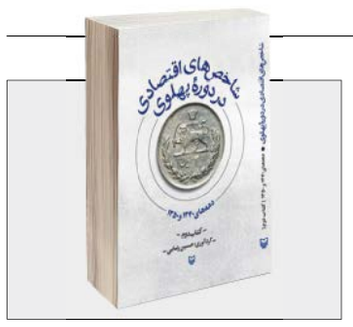
انتشار کتاب دوم شاخص‌های اقتصادی در دوره پهلوی

در سال‌های اخیر افسانه رشد چشمگیر اقتصاد ایران در دوران پهلوی از سوی رسانه‌های معاند بارها تکرار شده ولی بررسی دقیق علمی این موضوع کمتر صورت گرفته است. کتاب دوم شاخص‌های اقتصادی در دوره پهلوی (دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰) باگردآوری حسین رضایی در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. این اثر مجموعه‌ای از مقالات کارشناسان گروه پژوهش‌های تخصصی انقلاب اسلامی در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری است که با مطالعه و بررسی سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حکومت پهلوی و وقایع دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ده‌ها مقوله در موضوعات مختلف را استخراج کرده‌اند و هر یک را به تفکیک مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. سپس متناسب با موضوعات بررسی‌شده، شاخص‌های مناسب برای تدوین نهایی در اختیار نویسندگان قرار گرفت. رویکرد اصلی این مجموعه توجه به شاخص‌های اقتصادی در دو دهه ۴۰ و ۵۰ است. بررسی شاخص‌های زندگی مردم و سیاست‌ورزی حاکمیت در تأمین کسب‌وکار و معیشت مردم، محور اصلی توجه کارشناسان گروه پژوهش‌های تخصصی در تدوین مقالات این کتاب بوده است. این کتاب شامل ۱۰ مقاله از جمله مقاله‌هایی با عنوان «بررسی معیشت روستاییان و تأثیر آن بر روند انقلاب اسلامی» به قلم غلامعلی سلیمانی، درآمد خانواده ایرانی-هزینه و مصرف (۱۳۵۷-۱۳۴۰) نوشته ندا عظیمی و... است.



جام جم
فرهنگ
CULTURE
۹
چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳ شماره ۶۷۹۷

هایی داشته باشند و بر چه موضوعاتی تمرکز کنند؟

رئیس جمهور آینده

فرهنگی آن تولید کند. در آن صورت می‌توان به‌صورت دقیق عملکرد سازمان‌ها و ادارات دولتی را سنجید و به بخش‌هایی که نتوانسته‌اند تکالیف قانونی خود را انجام دهند پرداخت.

هنرمند، کارگر فصلی نیست!

یکی از حرف‌های شیکی که معمولا نامزدهای انتخابات در دوره‌های مختلف انتخابات ریاست‌جمهوری درباره برنامه‌های فرهنگی خود بر زبان می‌آورند، واگذارکردن امور به نهادهای تخصصی و تشکیلات صنفی است. حتی یکی از دولت‌ها در ابتدای ورود به خیابان پاستور تصمیم گرفت امور مربوط به ممیزی را به خود ناشران واگذار کند اما با عدم استقبال ناشران روبه‌رو شد. ناشران حق داشتند، چون احساس کردند دولت بدون پیش‌بینی راهکاری اجرایی و بستری مشخص، می‌خواهد خود را از زیر بار مسئولیتی سخت خلاص کند و توپ را به میدان ناشران بیندازد.زمانی می‌شود از واگذاری امور تخصصی به تشکل‌های صنفی حرف زد که این تشکل‌ها جایگاه حقوقی و قانونی مشخص و تعریف‌شده‌ای داشته باشند. در این زمینه قوانین جاری کشور، براساس واقعیت‌های میدانی حوزه فرهنگ و هنر نوشته نشده است و تا زمانی که مشاغل فرهنگی و هنری درست تعریف شوند، صنف واقعی تشکیل نمی‌شود. امروز هنرمندان تحت تعریف کارگران شغلی در وزارت کار شناخته شده‌اند، یعنی هنر هنوز به عنوان شغل تعریف مشخصی ندارد. فرض کنید برای شغلی مانند نویسندگی، معیار تعداد آثار نوشته شده در یک مدت زمانی مشخص است. این مسأله با روح کار هنری متفاوت است. یک نویسنده ممکن است چندین سال نتواند کتاب تازه‌ای بنویسد، چراکه نویسندگی با شغلی مانند سفالگری متفاوت است که براساس تعداد سفال‌های ساخته شده بتوان آن را تعریف کرد. تا زمانی که مرجع تشخیص شغل و رسمیت دادن به مشاغل فرهنگی و هنری، وزارت کار باشد و تحت قانون‌های مشخص برای کار و کارگری، فعالان هنری را تعریف کنیم، این مشکل به جای خود باقی است. فعالیت‌های صنفی در حقیقت جایگاهی رسمی و قابل دفاع براساس واقعیت‌ها و بایسته‌های این حوزه ندارند. به همین دلیل تا زمانی که دولت نظام جامعی را در این زمینه با همکاری فعالان و دست‌اندرکاران تدوین نکند، کاری از پیش نخواهد رفت. بعد از آن دولت باید از این نهادها حمایت کند و به آنها نقش‌هایی را که در غیاب‌شان خود به عهده گرفته است، واگذار کند تا آنان قدرت بگیرند و بتوانند در فضای کسب و کار هنری نقش مدافع حقوق هنرمندان را بازی کنند. تنش‌هایی که در سال‌های اخیر میان دولت و خانه سینما به وجود آمد و نیز ناکامی برخی نهادهای صنفی مانند خانه تئاتر یا خانه موسیقی به این دلیل است که آنان، نحیف، بدون حمایت قانونی و رها شده بوده‌اند و در این وضعیت، ممکن است به سمت و سوی جریان‌هایی بروند که پول و قدرت بیشتری دارند.

بارها دیده‌ایم برای اجرای یک برنامه هنری مثلا یک اجرای موسیقی، یک گروه از تهران به شهرستان‌ها می‌روند تا در برابر چشم هنرمندان آن شهر برنامه اجرا کنند و چند برابر آنها دستمزد بگیرند

موازی‌کاری؛ بلای جان فرهنگ

یکی از مشکلات مهم در حوزه فرهنگی کشور ما، از بین رفتن انرژی و فرصت فراوان و انبوه کشور، وجود دستگاه‌های موازی و مداخله‌گر، ازدحام و تقابل موجود در دیوان سالاری فربه کشور و نبود وحدت رویه است. این مسأله باعث شده از یک سو شاهد هدررفت سرمایه‌های ملی اختصاص یافته به بخش فرهنگی کشور باشیم و از سوی دیگر نتوانیم از فرصت‌های ایجاد شده به بهترین شکل بهره‌مند شویم. برای مثال در چند سال اخیر شاهد توجه داخلی و جهانی به تولیدات هنرمندان ایرانی در بخش سرود بوده‌ایم. سرودهای ایرانی که بیان‌کننده مفاهیم انقلابی و اسلامی‌اند، در سراسر جهان و به‌خصوص در کشورهای اسلامی مورد توجه فراوان قرار گرفتند. طبیعی بود که سرمایه‌های مادی و معنوی به شکل درستی برای تولید آثار ماندگارتر و باکیفیت‌تر اختصاص یابد اما در واقعیت، هر سازمان یا نهادی تصمیم گرفت خود را درگیر تولید سرود کند. تعداد زیادی آثار باکیفیت نه چندان مناسب تولید شد و مدیران دستگاه‌هایی که گاه هیچ ربطی به کار فرهنگی نداشتند، در این فرآیند غایب بودند. حرکت وزارت ارشاد برای اصلاح این وضعیت آنچنان کند بود که عملا نتوانست این چرخه معیوب را اصلاح کند. این تنها نمونه‌ای از ترک فعل‌هایی است که در فرهنگ و هنر کشور صورت گرفته و باعث دلخوری هنرمندان اصیل و متعهد شده است. شاید اگر پیش‌تر به ایجاد یک سیستم روشن، کارا و طراحی رویه‌های قابل اجرا و یکسان در این زمینه یا در حوزه‌های دیگر می‌پرداختیم، این وضع پیش نمی‌آمد. نبود روش کار مشخص و شفاف، دستگاه‌های متولی و البته پاسخگو باعث شده در شرایطی که ما در یک جنگ فرهنگی و شناختی قرار داریم، همان بودجه اندکی هم که به بخش فرهنگ و هنر داده می‌شود، حیف و میل شود و سودمندی لازم را نداشته باشد. به جای این‌که در این وضعیت، دنبال فرماندهی فرهنگی مناسب و ایجاد اتاق جنگ باشیم، دستگاه‌های موازی می‌سازیم و خودمان به دست خود، توانمندی‌های مان را بی‌اثر می‌کنیم. در این میان باید شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقش مهم و مرکزی خود را به عنوان میداندار و فرمانده دستگاه‌های دخیل در امر فرهنگ بازی کند و به اصلاح نظام مدیریت فرهنگی کشور و نظارت بر عملکرد مدیران فرهنگی بپردازد و هر جا که با نشانه‌هایی از موازی‌کاری، تداخل روش‌ها و اعمال سلیقه‌های فردی به جای اعمال دستورالعمل‌های نظام فرهنگی کشور روبه‌رو شد با آن برخورد کند و در این میان، جایگاه و شخصیت رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی مهم است و اگر او کسی باشد که این حوزه را به درستی بشناسد، می‌تواند از آوردگاه‌های سخت فرهنگی موفق بیرون آید.

به روزرسانی نظام ممیزی

ممیزی همیشه در حد یک شعار انتخاباتی باقی مانده است، چرا؟ چون همیشه افرادی با نگاهی سیاسی و غیرکارشناسی درباره آن نظر داده‌اند. یک دسته خواستار کنار گذاشتن آن از اساس شده‌اند و عده‌ای حتی اگر به زبان نیاورده باشند، وقتی مصدر امور شده‌اند، همه چیز را از دم تیغ سختگیری گذرانده‌اند ولی واقعیت این است که در هر دو شکل نظام فعلی ممیزی، ناکارایی خود را نشان داده است. این نظام، برای دهه‌های قبل طراحی شده است و اگر زمانی جوابگو بوده است، امروز نمی‌تواند پاسخ دهد زیرا هم شکل و هم فناوری‌های هنری و فرهنگی تغییر کرده و با نگاهی سنتی و عقب‌مانده نمی‌توان اخلاق و قانون را پاسداری کرد. ممیزی به شکل کنونی‌اش، باقیمانده‌ای از دهه‌های قبل است که در آن به لحاظ کمیت پایین آثار و نیز محدود بودن مجراهای توزیع آثار هنری، امکان نظارت همه جانبه و کامل دولت وجود داشت اما امروز تغییرات فناورانه باعث شده دیگر نتوان به این شکل از ممیزی امید تأثیرگذاری داشت و باید برای به روزکردن و کارآمد کردن آن فکری کرد. یک نمونه قابل الگوبرداری، شیوه‌ای است که در رسانه‌ها انجام می‌شود و در آن مدیران مسئول، سردبیران و نویسندگان بعد از انتشار مطلب در مطبوعات درصورتی که از حدود و مرزهای قانونی خارج شده باشند، پاسخگوی عملکرد خود هستند. در مورد آثار هنری هم باید به همین شکل عمل کرد. اگر هنرمندی بعد از گرفتن مجوز، از حدود و بایسته‌ها خارج شد، باید پاسخگوی کار خود باشد. ضمن این‌که ممیزی باید جامع‌نگر، دقیق و از سوی کارشناسانی اعمال شود که خود نگاه و اطلاعات هنری داشته باشند و کلمه و تصویر را بشناسند.

برش

ایران، قلب فرهنگی منطقه

قبل از هر برنامه‌ریزی و شروع به کاری، رئیس جمهور آینده باید افق دیدی جدید نسبت به مسائل فرهنگی داشته باشد. با نگاه معمول و رایج در طول دهه‌های گذشته، حداکثر می‌توان به شکلی بهتر از قبل امور را تمشیت کرد و به صورت روزانه پیش برد اما اگر افق دید، به جای تنظیم و پیشبرد امور جاری، رسیدن به جایگاه قلب و قطب فرهنگی منطقه باشد، موضوع فرق می‌کند. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود، این پایگاه و جایگاه را دارد و پشتوانه‌ای از چندین قرن حضور و تأثیرگذاری به‌عنوان محوریت فرهنگی منطقه نیز به کمک کسی می‌آید که قرار است این جایگاه را به واقعیت ذاتی خود بازگرداند. ایران فرهنگی، مرزهایی بسیار فراتر از ایران امروز دارد، از مرزهای غربی چین و آن سوی آب‌های جنوب شرق آسیا، تا قلب اروپا و شمال آفریقا، دامنه اثرگذاری فرهنگ و هنر ایران آشکار است. ایران می‌تواند با اتکا به داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای این منطقه وسیع بر اساس همکاری‌های مشترک طراحی کند. البته در دوره‌های گذشته، دولت‌ها تلاش‌هایی برای پیشبرد این هدف انجام داده‌اند؛ تشکیل نشست سران کشورهای فارسی‌زبان (که امروز با به قدرت رسیدن یک گروه قومیت‌گرا در افغانستان عملا از فعالیت بازمانده است)، تعریف پروژه‌های مشترک برای ثبت در میراث جهانی یونسکو با کشورهای منطقه، ساخت آثار هنری با سرمایه‌گذاری مشترک و... بخشی از این اقدامات است اما اگر جهت و چشم‌انداز کلی فرهنگی دولت چهاردهم، فرامرزی و فرامنطقه‌ای باشد، شتاب و حجم این‌گونه برنامه‌ها باید بیشتر و در راستای یک چشم‌انداز بلندمدت باشد، نه اقدامات مقطعی و جزیره‌ای که گاهی به فراخور حال مدیران صورت می‌گیرد و دیگر نشانی از آن نمی‌بینیم. در این میان مدیران آینده، باید به نقش تمدن‌ساز، وحدت‌آفرین و محوری زبان فارسی به‌عنوان زبانی که قرن‌ها، خرده‌فرهنگ‌های موجود در این منطقه پهناور را به هم گره زده و بخش بزرگی از گنجینه ادبیات جهان را تولید کرده، واقف باشند و در جهت حفظ آن از گزندهای پیش رو و بالابردن جایگاه آن به‌عنوان زبان دانش، زندگی و فرهنگ در سطح جهان بکوشند. زبان فارسی چه امروز مظلوم در میان تهاجم گروه‌های قومیت‌گرا در داخل و زبان‌های استعماری در خارج، بدون حامی مانده اما همچنان ظرفیت جذب و فراگیر شدن در سراسر جهان را دارد و دولتی که این نقش و ظرفیت را درک کند، می‌تواند مدعی تلاش در راه احیای تمدن بزرگ اسلامی باشد.

ارتقای فناورانه ضرورت است

موقعیت فرهنگی و اجتماعی و سابقه ایران به عنوان کشوری فرهنگی و مرکزی در منطقه آسیای غربی می‌تواند ما را به قلب تحولات این منطقه در عرصه فرهنگی تبدیل کند. برای مثال ایران، ظرفیت بسیار بالایی برای جذب سفارش و تولید آثار هنری و فرهنگی از جمله در حوزه نشر کتاب، تولید پویانمایی، ساخت فیلم، بازی سازی و ... است اما علاوه بر برخی مشکلات، دور ماندن از روند فناوری این ظرفیت را از ما گرفته است. برای مثال دستگاه‌های چاپ ما مدت‌هاست به دلیل تحریم، نوسازی نشده‌اند و این به آینده موقعیت صنعت نشر کشور لطمه می‌زند. از سوی دیگر روند پرشتاب تغییرات در حوزه‌های دانشی و به میان آمدن فناوری‌های نوین بخصوص نقش متحول‌کننده هوش مصنوعی، مدیریت فرهنگی کشور را در یک موقعیت تاریخی قرار داده است. این فناوری‌ها می‌توانند کاری کنند که مدیریت کند، سنتی و محافظه‌کارانه فرهنگ در هر جامعه‌ای، ناگهان خود را در موقعیت نزدیک به فروپاشی ببیند. هم مدیران نیاز به نو شدن دارند، هم هنرمندان و هم مخاطبان. باید با استفاده از هوش و استعداد دانشمندان جوان ایرانی و تلفیق توانایی شرکت‌های دانش‌بنیان با ظرفیت‌های فرهنگ و هنر کشور، این فرصت تاریخی را به بهترین شکل قدر بداند.

داده‌نما

مدیران فرهنگی دولت بعد لازم است:

۱ جایگاه مهم ایران فرهنگی را بدانند و برنامه‌ریزی‌های‌شان فراملی باشد

۲ مصرف‌کننده پیوسته محصولات فرهنگی بوده و این حوزه را کامل بشناسند

۳ تفکر ساختارمند داشته باشند و از ناکامی‌های گذشته درس بگیرند

۴ در ایجاد عدالت فرهنگی و توزیع امکانات و استفاده از نیروها، مرکززده نباشند

۵ نسبت به عملکرد خود پاسخگوی مردم و قانون باشند

۶ رساندن نهادهای صنفی از تعارف تا کارآمدی را دنبال کنند

۷ ممیزی را از شکل سنتی خارج و آن را حرفه‌ای، قانونمدار و کارشناسی کنند

۸ باور داشته باشند که در جنگ فرهنگی به اتاق جنگ و وحدت رویه نیاز است

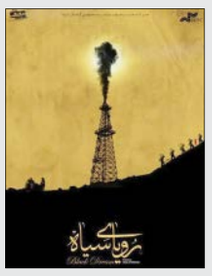
۹ برنامه‌ریزی مشخصی برای نهضت روایت داشته باشند

۱۰ فناوری‌های نوین را به حوزه فرهنگ و هنر وارد کنند



نشست

نمایش مستندی از اُرد عطارپور

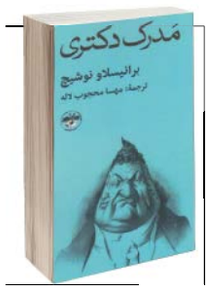


مستند «رویای سیاه» ساخته اُرد عطارپور، در دومین شب از سلسله‌شب‌های مستند بخارا با عنوان «شب مستند ایران معاصر»، امروز از ساعت ۱۷ در خانه هنرمندان ایران روی پرده می‌رود. در این رویداد که در چارچوب برنامه «شب‌های بخارا» برگزار می‌شود، استاد محمدعلی موحد، مورخ و حقوقدان برجسته، حضور خواهند داشت و همراه علاقه‌مندان به تماشای رویای سیاه به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اُرد عطارپور می‌نشینند. داریوش رحمانیان، محمدعلی بهمنی قاجار، غلامعلی مصدق، اُرد عطارپور و علی دهباشی، پس از نمایش فیلم و در پنل گفت‌وگو به همراه محمدعلی موحد به نقد و بررسی این مستند می‌پردازند.

اُرد عطارپور، تهیه‌کننده و کارگردان نامدار سینمای مستند ایران و دارای نشان عالی خورشید است که توسط انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند به اشخاصی که در رشد و اعتلای تهیه‌کنندگی فیلم مستند تاثیرگذار بوده‌اند، اعطا می‌شود.

قفسه

نمایشنامه‌های صرب در راه بازار کتاب



کتاب‌های «مدرک دکتری» و «آن مرحوم» نوشته برانیسلاو نوشیچ و «پرنده» اثر الکساندر اوبرنوویچ با ترجمه مهسا محجوب لاله منتشر شدند. نمایشنامه مدرک دکتری در ۲۴۸ صفحه و با قیمت ۲۴۸ هزار تومان در انتشارات آناپنا راهی بازار کتاب شده است.

برانیسلاو نوشیچ، روزنامه‌نگار، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر تاکنون آثار ماندگاری را از خود بر جای گذاشته است. یکی از آثار او نمایشنامه‌ای با عنوان مدرک دکتری است. دیگر اثر ترجمه‌شده از نوشیچ نمایشنامه آن مرحوم است که یکی از بهترین آثار این نمایشنامه‌نویس به‌شمار می‌آید. آن مرحوم نمایانگر طنز ماندگار و تند از طمع بشر و یادآور جامعه امروز و روابط انسانی است. نمایشنامه با موضوعی هوشمندانه و دیالوگ‌هایی تند نشان‌دهنده کمدی تلخ است و به‌درستی به کلاسیک‌های جهانی تعلق دارد. دیگر نمایشنامه منتشرشده «پرنده» اثر الکساندر اوبرنوویچ است که با ترجمه مهسا محجوب لاله در ۳۲ صفحه و قیمت ۴۴ هزار تومان عرضه شده است. پرنده در واقع سومین نمایشنامه از مجموعه نمایشنامه‌هایی تحت عنوان تغییرات است که در سال ۱۹۵۸ جایزه بهترین نمایشنامه رادیویی را دریافت کرد.

قاب

مراسم بزرگداشت شهدای سادات برگزار می‌شود

مراسم بزرگداشت شهدای سادات امروز ساعت ۱۱ در گلزار شهدای بهشت زهرا(س) با حضور تعدادی از خانواده‌های شهدای تهران برگزار می‌شود. در این مراسم اصحاب کریمی، مدیرکل بنیاد شهید تهران بزرگ سخنرانی خواهد کرد و از خانواده شهیدان سیدطاهر مصطفوی و سیدمهدی موسوی از شهدای پرواز اردیبهشت تجلیل به عمل خواهد آمد. گفتنی است پس از این مراسم، مزار شهدای سادات گلزار شهدای بهشت زهرا(س) با حضور خانواده‌های‌شان عطرافشانی می‌شود.

